

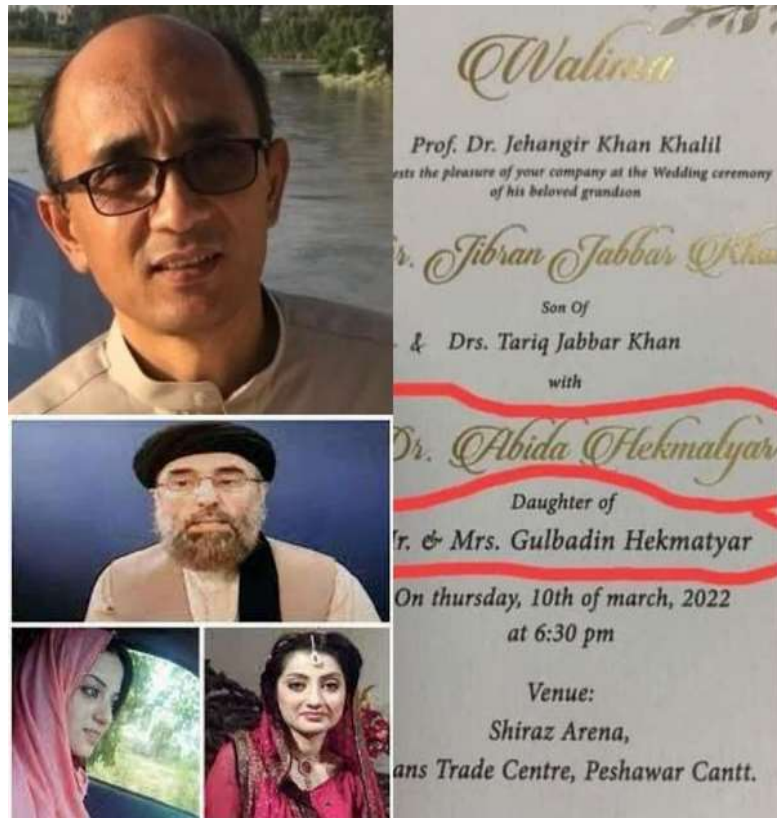
مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۳/۱۲

یونس نگاه

## انتظارات مردم تعیین کننده است (تجارت مذهبی و سیاسی)



رهبران سیاسی، آدمهای زیرک و فرصت طلباند. شعارهای آنان، بیشتر مواقع از عقاید خودشان نمی آید بلکه بر بنیاد انتظارات مردم و هواداران شان تنظیم می گردد.

بیشتر رهبران مذهبی از نظر عقیدتی افراد لاییک (خدانشناس) اند. آنان برخی به نیت نیک در جایگاه رهبری توده خدانشناس و گوسفندی می نشینند تا با استفاده از ابزار مذهب و اخلاقیات سنتی نظم و انضباطی به جامعه بدهند. آنان شبیه معلم کودکانند که با قواره حق به جانب و باورمندانه افسانه های بزرگ چینی را به کودکان بازگو می کنند تا ذهن شان را شکل دهند.

تعدادی اما آدمهای موزی و سودجو اند و مطابق نیاز بازار، دکان باز می کنند. این جماعت در شرایط بحرانی و زمانی که جنگ و جهاد رایج می شود، به رهبری می رسند. آنان عیاش، پول دوست، بداخلاق، زورگو و ظالم اند. در شصت سالگی با شاگرد 14 ساله خود که از سوی خانواده اش نزد او امانت گذاشته شده، ازدواج می کنند؛ طلای زنان عرب را که برای خانواده قربانیان جنگ کمک شده است، به گردن همسران خود می آویزند؛ برای رسیدن به چوکی صدارت یا ریاست جمهوری، کابل را با تمام ساکنان اش به آتش می کشند. در خلوت شاید نماز بخوانند اما در جلوت پیش نماز می شوند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

گلبدین حکمت‌یار به تیزاب‌پاشی به روی دختران پوهنتون مشهور است. او مثل طالبان در سیاست و برای مردم سیستم آموزشی مدرسه‌ای می‌خواهد و طرفدار جدایی محل درس دختران و پسران است. اما برای خود و خانواده‌اش این محدودیت را قابل نیست. دختر او در دانشگاه پاکستانی با پسران یکجا درس خوانده، داکتر شده و به نقل از پستی که اسکرین‌شات آن را شریک کرده‌ام، داکتر صاحب در صنف با یک هم‌صنفی‌اش رابطه عاشقانه داشته و با او ازدواج کرده است. عاشق شدن در صنف‌درسی برای دختر حکمت‌یار حلال است، ولی برای دختران پیروان او حلال نیست.

کارت عروسی دختر آقای حکمت‌یار نیز از سطح جامعه ما بالاست. طرفداران گلبدین حکمت‌یار نام زنان و دختران‌شان را یاد نمی‌کنند و در کارت‌های عروسی به دختر فلانی گفتن اکتفا می‌کنند. اما دختر حکمت‌یار، داکتر حبیبه خانم، نام‌اش در کارت عروسی ذکر است. این حق حبیبه خانم است. من به او شادباش می‌گویم که در صنف مختلط درس خوانده، با هم‌صنفی‌اش بعد از صحبت و آشنایی ازدواج کرده است و نام‌اش را نیز بر کارت عروسی نوشته است.

اما پدرش حق ندارد از عقب‌ماندگی مردم تجارت‌خانه بسازد. او نباید سنت‌های ناپسند را به‌نام دین تبلیغ کند و از پوهنتون اسلامی و ناسلامی سخن بگوید. پدرش باید آنچه را برای خانواده خود می‌خواهد برای خانواده‌های مردم نیز بخواهد.

پدر حبیبه خانم اما تاجر سیاسی است. تعیین باید و نباید برای او، کار بیهوده است. او مطابق نیاز بازار عمل می‌کند. برای آن‌که حکمت‌یار برای شما تحصیلات مدرن بخواهد، زندگی مرفه بخواهد، روابط اجتماعی مبتنی بر آزادی فردی بخواهد، باید انتظارات خود را بالا ببرید. تقاضا را وقتی تغییر دادید، عرضه نیز تغییر می‌کند. دکانداران سیاسی به نیض باورهای شما چشم دارند. انتظارات ما و شما در تعیین نوع حکومت بسیار مهم است.